

روزشمار زندگانی ابوالفضل بیهقی

۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۱۷

بیهقی که دیگر به روزگار پیری و فرسودگی رسیده و در زندگی خود و پیرامونیان خویش فراز و نشیبهای بسیار دیده بود، زمان را برای گردآوری و تنظیم یادداشتهای خود مناسب یافته و از سال ۴۴۸ هـ.ق به تألیف تاریخ پردازش خود پرداخت

۳۸۵ هـ.ق / تولد در حارث آباد بیهقی

به سال ۳۸۵ هـ.ق در ده حارث آباد بیهقی (سیزوار قدیم) کودکی به جهان آمد که نامش را ابوالفضل محمد نهادند. پدر که حسین نامیده میشد، کودک را به سالهای نخستین در قصبه بیهقی و سپس، در شهر نیشابور به دانشاندوزی گماشت. ابوالفضل که از دریافت و هوشمندی ویژه‌های برخوردار بود و به کار نویسندگی عشق می‌ورزید.

۴۱۲ هـ.ق / شروع کار دیوانی در غزنین

در جوانی از نیشابور به غزنین رفته (حدود ۴۱۲ هـ.ق)، جذب کار دیوانی گردید و با شایستگی و استعدادی که داشت به زودی به دستیاری خواجه ابونصر مشکان گزیده شد که صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی بود و خود از دبیران نام‌آور روزگار. این استاد تا هنگام مرگ لحظه‌ای بیهقی را از خود جدا نساخت و چندان گرمی و نزدیکی می‌داشت که حتی نهفته‌ترین اسرار دستگاه غزنویان را نیز با وی در میان می‌نهاد، و این خود بعدها کارمایه گرانبهایی برای تاریخ بیهقی گردید، چنانکه رویدادهایی را که خود شاهد و ناظر نبوده از قول استاد فرزانه خویش نقل کرده که پیوسته «در میان کار» بوده است و در درستی و خرد بی‌همتاست.

۴۳۱ هـ.ق / کسب پستهای سیاسی در دربار

پس از محمود، بیهقی در پادشاهی کوتاه مدت امیر محمد (پسر کهنتر محمود) دبیر دیوان رسالت بود و شاهد دولت مستعجل وی و

آنکه که ستاره اقبال مسعود درخشیدن گرفت، نظاره اگر لحظه به لحظه اوج و فرود زندگانی او بود، و هم از این تماشای عبرت انگیز است که تاریخ خویش را چونان روزشمار زندگی این پادشاه و آئینه تمام نمای دوران وی فراهم آورده است. پس از در گذشت بونصر مشکان (۴۳۱ هـ.ق) سلطان مسعود، بیهقی را برای جانشین استاد از هر جهت شایسته ولی «سخت جوان» دانسته — هر چند که وی در این هنگام چهل و شش ساله بوده است — از این رو بو سهل زوزنی سالخورده را جایگزین آن آزادمرد کرد و بیهقی را بر شغل پیشین نگاه داشت. ناخشنودی بیهقی از همکاری با این رئیس بدنهاد، در کتاب وی منعکس است، تا آنجا که تصمیم به استعفا گرفته است، ولی سلطان مسعود او را به پشتیبانی خود دلگرم کرده و به ادامه کار واداشته است.

۴۳۲ هـ.ق / بازداشت و غارت خانه بیهقی

پس از کشته شدن مسعود (۴۳۲ هـ.ق) بیهقی همچون میراثی گرانبها، پیرایه دستگاه پادشاهی فرزند وی (مودود) گردید، و پس از آنکه نوبت فرمانروایی به عبدالرشید — پسر دیگری از محمود غزنوی — رسید، بیهقی چندان در کوره روزگار گداخته شده بود که در خور شغل خطیر صاحب‌دیوانی رسالت گردد. اما دیری نپایید که در اثر مخالفت و سخن چینیه‌های غلام فرومایه ولی کشیده‌ای از آن سلطان، از کار بر کنار گردید، و سلطان دست این غلام را در بازداشت بیهقی و غارت خانه وی باز گذارد. بیهقی سر گذشت دردناک این دوره از زندگی خود را در تاریخ مفصل خود آورده بوده است که این بخش از نوشته‌های وی جزو قسمت‌های از دست رفته کتاب است، ولی خوشبختانه عوفی در فصل نوزدهم از باب سوم «جوامع الحکایات» این داستان را نقل {به معنا} کرده است:

هنگامی که سلطان عبدالرشید غزنوی، به دست غلامی از غلامان شورشی (طغرل کافر نعمت) کشته شد (۴۴۴ هـ.ق) با دگرگون شدن اوضاع، بیهقی از زندان رهایی یافت، ولی با آنکه زمان چیرگی غلام به حکومت رسیده، پنجاه روزی بیش نپاییده و به قول صاحب «تاریخ بیهق» بار دیگر «ملک با محمودیان افتاد»، بیهقی دیگر به پذیرفتن شغل و مقام درباری گردن نهاد و کنج عافیت گزید و گوشه‌گیری اختیار کرد.

۴۴۸ هـ.ق : زمان تألیف کتاب

بیهقی که دیگر به روزگار پیری و فرسودگی رسیده و در زندگی خود و پیرامونیان خویش فراز و نشیب‌های بسیار دیده بود، زمان را برای گردآوری و تنظیم یادداشتهای خود مناسب یافته و از سال ۴۴۸ هـ.ق به تألیف تاریخ پردازش خود پرداخت و به سال ۴۵۱ این کار را به انجام رسانید، یعنی اندکی پس از درگذشت فرزند بن مسعود و آغاز پادشاهی سلطان ابراهیم بن مسعود.

۴۷۰ هـ.ق: پایان عمر

بیهقی هشتاد و پنج سال زیسته و به تصریح ابوالحسن بیهقی در «تاریخ بیهق» به سال ۴۷۰ هـ.ق در گذشته است و به این ترتیب

نوزده سال پس از اتمام تاریخ خویش زنده بوده و هرگاه به اطلاعات تازه ای در زمینه کار خود دسترسی مییافته، آن را به متن کتاب میافزوده است.

تالیفات بیهقی:

کتابی که امروز به نام «تاریخ بیهقی» می‌شناسیم، در آغاز «تاریخ ناصری» خوانده می‌شده است به دو احتمال: نخست به اعتبار لقب سبکتگین(پدر محمود غزنوی) که ناصرالدین است و این کتاب تاریخ خاندان و فرزندان و فرزندزادگان وی بوده، و دیگر لقب سلطان مسعود که «ناصرالدین الله» بوده است. به هر حال کتاب به نامهای دیگری نیز نامیده می‌شده، از این قرار:

تاریخ آل ناصر، تاریخ آل سبکتگین، جامع التواریخ، جامع فی تاریخ سبکتگین و سرانجام تاریخ بیهقی، که گویا بر اثر بی‌توجهی به نام اصلی آن (تاریخ ناصری) به این نامها شهرت پیدا کرده بوده است. بخش موجود تاریخ بیهقی را «تاریخ مسعودی» نیز می‌خوانند از جهت آنکه تنها رویدادهای دوره پادشاهی مسعود را در بر دارد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19271/بیهقی-ابوالفضل-زندگانی-روزشمار>